

به ۱۶ آذر نزدیک میشویم، این روز تاریخا مناسبی بوده است که نسل جوان بر مبنای قدرت خود و توازن قوای میان حاکمیت و مردم، مطالبات خود را اعلام کرده اند، تجمع کرده اند، و توقع خود از زندگی را به گوش مردم رسانده اند. دانشگاه و نسل جوان مورد توجه کل جامعه و جنبش های سیاسی مختلف بوده است. به همین اعتبار بیش از سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی یک پای اختناق سیاسی و فشار ارگانهای سرکوب برای ساکت کردن هر نوع صدای مخالفی، تحمیل اختناق سیاسی و فضای رعب در میان نسل جوان و به این اعتبار در دانشگاه بوده است.

در هر نوره و بر اساس موقعیت و هژمنی جنبشهای سیاسی در فضای روشنفکری جامعه و در میان نسل جوان در دانشگاه، سطح اعتراض و نوع مطالباتی که دانشجویان بروز داده اند، متفاوت بوده است. جنبشهای سیاسی همیشه رنگ خود را به فضای روشنفکری جامعه و به این اعتبار به فضای دانشگاه هم زده اند.

سالهای ۸۴ تا ۸۶ دوره ای است که فضای چپ و رادیکال قدم به قدم عرصه را در فضای روشنفکری جامعه

## ۱۶ آذر را با برافراشتن پرچم کومنیسم و آزادیخواهی در دانشگاهها گرامی بداریم



دانشگاههای ایران در شرایط حساسی به و غیره عرصه های شانزده آذر امسال نزدیک میشوند. متعدد تعرض و مناسبت شانزده آذر تاریخا در ایران به سبب مبارزه آزادیخواهانه نسلهای پی در پی جوانانی بدل شده است که در محیطهای دانشگاهی برای ایفای نقش پیشرو و نوآور خود در جامعه آماده میشوند و در اولین قدم با استبداد سیاسی و ارتجاع بورژوازی حاکم بر جامعه در تقاض و تقابل آشکار قرار میگیرند. در طول حاکمیت استبداد بورژوازی اسلامی هم محیطهای دانشگاهی همواره یک ظرف اجتماعی ابراز وجود پر جنب و جوش نسل جوان در اعتراض به نظام اجتماعی موجود و روبنای سیاسی و فرهنگی و ایدئولوژیک سوپرارتجاعی حکومت اسلامی سرمایه بوده است.

در سالی که گذشت دستگاہهای پلیسی امنیتی جمهوری اسلامی، بر بستر سرکوب جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاهها و بر متن عقبگردی که جنبش سبز به جامعه و بر دانشگاه تحمیل کرد، همچنان تعرض خود به محیطهای دانشگاهی را ادامه دادند و در این تعرض ارتجاعی کماکان تمکین تحکیم وحدتی ها و انجمنهای اسلامی را با خود داشتند. از دستگیری و تعقیب و اخراج و ضرب و شتم دانشجویان مبارز و آزادیخواه تا گسترش آپارتاید جنسی و "تفکیک جنسیتی" به کلاسهای درس و اسلایمز کردن بیشتر آموزش دانشگاهی

در سالی که گذشت دستگاہهای پلیسی امنیتی جمهوری اسلامی، بر بستر سرکوب جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاهها و بر متن عقبگردی که جنبش سبز به جامعه و بر دانشگاه تحمیل کرد، همچنان تعرض خود به محیطهای دانشگاهی را ادامه دادند و در این تعرض ارتجاعی کماکان تمکین تحکیم وحدتی ها و انجمنهای اسلامی را با خود داشتند. از دستگیری و تعقیب و اخراج و ضرب و شتم دانشجویان مبارز و آزادیخواه تا گسترش آپارتاید جنسی و "تفکیک جنسیتی" به کلاسهای درس و اسلایمز کردن بیشتر آموزش دانشگاهی

تشدید تنش در کشمکشهای آمریکا و دول غرب با جمهوری اسلامی، ایجاد فضای جنگی و تهدید به جنگ و گسترش تحریمهای اقتصادی توسط آن دولتها، بهره برداریهای جمهوری اسلامی از این

فضا، امید بستن کل جریانات بورژوازی به سناریوهای مبتنی بر دخالت آمریکا و دول غرب در تحولات آتی ایران، در فضای دانشگاه نیز مباحث و صف بندیهای جدید و همچنین نحوه ابراز وجود سیاسی جریانات مختلف را به همراه خواهد آورد.

این وضعیت وظایف جدید و فرصتهای جدیدی را پیش روی دانشجویان آزادیخواه و کومنیست در محیطهای دانشگاهی و در ارتباط با اوضاع عمومی جامعه قرار داده است. از یک طرف ضرورت تقابل سیاسی روشن با سناریوهای ارتجاعی که در سنت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی دانشگاهها و مشخصا در سنت "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب (دب)" سابقه درخشان و جاقفاده ای دارد، افشای سیاستهای دول غرب و کل گرایشات و جریانات امید بسته به آن و از طرف دیگر خنثی کردن بهره برداریهای جمهوری اسلامی از آن را ایجاب میکند.

شاخص پیشروی جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در دل این جدالها و جدلها و مباحث و صف بندیها در شانزده آذر امسال و روزهای بعد از آن، صفحه ۲



### ۱۶ آذر و فعالیت متشکل کومنیستی

مصاحبه کومنیست با بهرام مدرسی

صحنه گردان اصلی فضای سیاسی در دانشگاه های اصلی کشور بودند. به این اعتبار دانشجویان کومنیست، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب هر ساله به بهانه ۱۶ آذر عمیقترین حمایت و پشتیبانی از وسیعترین طبقه کارکن در جامعه را ترویج دادند. همین کلا سنت و فضای دیگری را به کل دانشگاه ها و راستش بسیار فراتر از آن بر جامعه روشنفکری ایران تحمیل کرد.

از سال ۸۶ و دستگیری های وسیع دانشجویان کومنیست و کل تشکل محیط های دانشگاهی بودیم. تا این تاریخ ما هر ساله به بهانه ۱۶ آذر شاهد اعلام شعارهای آزادی، برابری و مخالفت با فدرالیسم و قومی گری و کل دستگاه سیاسی و اقتصادی حاکم بر ایران بوده ایم. در این تاریخ ما شاهد این بودیم که پای کارگر و حمایت از خواسته ها و تشکل هایش به دانشگاه های سراسر کشور باز شد، آزادی و انسانیت و برابری واقعی

مناسبیتی بوده است که اهدافمان، شعارهایمان و راه رسیدن به آن ها را اعلام کنیم و افراد بیشتری را قانع به همکاری در این راه بکنیم.

به این اعتبار تا سال ۸۶ ما شاهد تحرک وسیع دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و فعالیت متشکل کومنیستی در محیط های دانشگاهی بودیم. تا این تاریخ ما هر ساله به بهانه ۱۶ آذر شاهد اعلام شعارهای آزادی، برابری و مخالفت با فدرالیسم و قومی گری و کل دستگاه سیاسی و اقتصادی حاکم بر ایران بوده ایم. در این تاریخ ما شاهد این بودیم که پای کارگر و حمایت از خواسته ها و تشکل هایش به دانشگاه های سراسر کشور باز شد، آزادی و انسانیت و برابری واقعی

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## ۱۶ آذر را با برافراشتن....

جنبش دانشجویان آزادیخواه و برابری

طلب به آن متکی است، اثبات کرد که آزادیخواهی و برابری طلبی جنبش اجتماعی ریشه داری است که نه جمهوری اسلامی و نه هیچ بخش دیگری از ارتجاع بورژوازی ایران قادر به ریشه کن کردن آن نیستند.

اکنون ما با اوضاع جدیدی و صف بندیهای جدیدی روبرو هستیم. محصل رویارویی با این اوضاع جدید، ایستادگی در مقابل عریده کثی های خامنه ای و دیگر سران و جناحهای جمهوری اسلامی، مجال ندادن به بهره برداری آنان از تهدیدات جنگی آمریکا و اسرائیل و دول غربی، به منظور گسترش فضای اختناق و سرکوب و تعرض به کارگران و مردم آزادیخواه، افزایش جریانات راست و چپ بورژوا در امید بستن به سناریوهای ارتجاعی از جمله برای لیبیانیزه کردن ایران، افزایش تحکیم وحدتی ها و انجمن های اسلامی در دانشگاه، لازم است به اتحاد و همبستگی کمونیستها و صف آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه و همچنین در دانشگاه منجر شود.

## ۱۶ آذر و فعالیت متشکل...

کمونیست: ارزیابی تان از فضای

سیاسی دانشگاهها چیست؟ رابطه آن با کل اوضاع سیاسی امروز چیست؟

کمونیست: در جواب سؤال قبل گفتیم که بعد از سرکوب کمونیستها و

آزادیخواهان جنبش ارتجاعی سبز صحنه گردان اصلی فضای سیاسی دانشگاهها شد. سازمانهایی که تا پیش از این اعتبار خود را در میان دانشجویان از دست داده بودند، انجمن های اسلامی و تحکیم وحدت مجدداً فعال شدند. همه این ها نفع مشترکی در سرکوب دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب داشتند. امروز با شکست آن جنبش سبز تحركات این سازمانها هم به پایان نرسیده است. امروز با داغ شدن مسئله انتخابات هم این جریانات در تلاشند تا همان اهداف را از راه های دیگر و با شعارهای دیگر دنبال کنند. در کنار این اما ما شاهد شکل گرفتن نوع دیگری از اعتراضات در محیط های دانشگاهی هستیم. اعتراضات صنفی که کم کم در حال شکل گیری هستند. این اگر چه به نسبت آن سطحی که دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب احرار کردند، عقب است اما در مقابل تحركات جریانات ارتجاعی سبز و سیاه در دانشگاه ها سنگرهای جدیدی را گشوده است. اینکه کار به همین جا ختم می شود یا نه به فاکتورهای اساسی تر در جامعه بستگی دارد. دانشگاه مستقل از جامعه عمل نمیکند اما میتوانند تأثیرات تعیین کننده ای هم بر آن بگذارند.

کمونیست: تأکیدات رهبران طبقه کارگر و کمونیست ها در رابطه با این روز چه میتواند باشد؟

بهرام مدرسی: آنچه را که کمونیست ها در دانشگاه ها ممکن کردند، فقط به دانشگاه و حتی بیشتر از آن به فضای روشنفکری خارج از دانشگاه ربط ندارد. برعکس، بیشترین ربط حضور دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب به طبقه کارگر و فعالین کمونیست این طبقه است. آنها همانطور که قبلاً گفتیم نشان دادند که اولاً فعالیت کمونیستی متشکل در سیاهترین اختناق اسلامی هم نه تنها ممکن بلکه پیش شرط هر پیشروی است. دوماً آنها به اعتبار فعالیت کمونیستی متشکلشان و ایجاد واقعیت افتخار آمیز متشکل توده ای دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، شعارها و خواسته های طبقه کارگر را به شعارها و خواسته های هزاران دانشجو کردند. رهبران کمونیست طبقه کارگر به نظر من بخصوص باید در گرامی داشت ۱۶ آذر بیشتر از هر چیز به این واقعیات و درسهای آن توجه کنند و آنرا مورد بحث و بررسی قرار دهند. کاری را که دانشجویان کمونیست در دانشگاه ها کردند، با اشکال دیگر در کارخانه ها هم ممکن است. کمیته های کمونیستی، جنبشی که هر فعال کمونیستی در محیط کارخانه را به پیوستن به خود دعوت میکند، فعالیت آگاهانه متحد و متشکل و پایه ریزی متشکل های توده ای به این اعتبار درسهای فراموش نشدنی ۱۶ آذر برای رهبران کمونیست طبقه کارگر است.

دانشگاه پادگان نیست. نه به "تحریم اقتصادی، فضای جنگی و تهدیدات نظامی آمریکا و متحدین"، نه به آپارتاید جنسی، دانشگاه حوزه علمیه نیست، دفاع از آزادی و برابری، دفاع از برابری کامل زن و مرد، دفاع از وسیعترین آزادیهای سیاسی، دفاع از مطالبات و اعتراضات طبقه کارگر، از جمله سنتهای سیاسی پیشرو و رادیکالی است که در سالهای گذشته در دانشگاهها قدر افراشت و توجه جامعه و طبقه کارگر و انسانهای دردمند و آزادیخواه را به خود جلب کرد. این سنتها را باید همچون طلیعه آزادیخواهی و برابری طلبی جنبش طبقه کارگر پاس داشت و با انرژی و قدرت بیشتری تداوم بخشید.

دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی علیه این جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی بسیج شد و به کار افتاد. همراه آن جریانات لیبرال و ناسیونالیست و نئوتوده ایها در ضدیت با دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب به حرکت درآمدند. جنبش سبز کل این سرکوب و این حرکت ارتجاعی را تکمیل کرد و در یک کلام بار دیگر تحکیم وحدتی ها، انجمن اسلامی ها و فضای ارتجاعی بر دانشگاه حاکم شد. این رویدادها نشان داد که در غیاب افق و آلترناتیو کمونیستی چه کثافتی میتواند بر جامعه و بر محیطهای دانشگاهی حاکم شود.

زنده باد آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
سوم آذر ۱۳۹۰ - ۲۴ نوامبر ۲۰۱۱

## پیروزی آزادی و برابری و مرکت دانشجویان

## آزادی فواه و برابری طلب در دانشگاه پیروزی

## این یا آن گروه و سازمان نبود. پیروزی یک

## سیاست، یک افق و یک پرچم بود: پرچم

## آزادی خواهی و انسان دوستی طبقه کارگر. آذر

## ۸۶ این پرچم را بر فراز دانشگاه ها به اهتزاز

## درآوردند. طبقه کارگر، در مقابل پشیمان نا باور

## همه، دانشگاه را تصرف کرد.

کوروش مدرسی

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## ۱۶ آذر و جوانان کمونیست...

و در فضای دانشگاهها بر جریانات پرو رژیم، بر تشکلهای تحکیم وحدت و انجمنهای اسلامی، بر جریانات لیبرال و ناسیونالیستی و قومی و... تنگ کرد. در آن سالها ما شاهد عروج اعتراضات وسیع و رادیکال با پیشروترین مطالبات در مهمترین دانشگاههای ایران بودیم، که دهها هزار جوان در مراکز تحصیلی را دور هم جمع کرد. نشریات مختلف دانشجویی و چاپ منتشر شدند. جمعها و محافل کمونیستی، کلاسهای کاپیتال خوانی و بحث و جدل مارکسیستی رواج یافت. پرچم آزادی و برابری برای اولین بار در مهمترین دانشگاههای ایران به اهتزاز در آمد و مطالباتی چون، علیه آپارتاید جنسی، برابری زن و مرد، آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، نه به جنگ و حمله نظامی و نه به اختناق سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی، بیمه بیکاری و دفاع از اعتراضات کارگری و مطالبات طبقه کارگر و... با صدای رسا از جانب هزاران جوان به جامعه اعلام شد و وسیعترین سمپاتی را در کل جامعه و در میان طبقه کارگر به خود جلب کرد. "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب"، که به داب معروف شدند، نسل جوان کمونیست که در راس این تحرک انسانی بودند، به نقطه امیدی در میان میلیونها انسان تشنه آزادی و برابری تبدیل شدند و جامعه چشم امید به آنها دوخت.

امروز از آن تاریخ چهار سال میگذرد. در سال ۸۶، جنبش اعتراضی رادیکال آن دوره با حمله وسیع و همه جانبه جمهوری اسلامی، با دستگیری و زندان صدها دانشجوی انقلابی، با تعرضی همه جانبه به آزادیخواهی و برابری طلبی، به عقب نشینی وادار شد. در این پروسه طیف وسیعی از جریانات بورژوازی زیر پرچمها و اسامی مختلف، از اسلامی، لیبرال، ناسیونالیستی و قومی تا "دمکرات" و "چپ"، فرصت را غنیمت شمرده و علیه نسل جوان کمونیست، شمشیر از رو بستند و امکان عقب راندن یک تحرک انقلابی و انسانی را ممکن کردند. حزب حکمتیست و رهبران آن به عنوان جریانی که بخش وسیعی از کمونیستهای جوان از آن تغذیه میکردند و مورد رجوع بود، مورد وسیعترین حملات از جانب جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعات و بعلاوه از جانب طیف فرصت طلبان سیاسی، نتوانده ای ها و... قرار گرفت. تلاش وزارت اطلاعات برای ترور شخصیت رهبران حزب از جمله کوروش مدرسی و بهرام مدرسی، کمپینهای کثیف این وزارت خانه و استقبال فرصت طلبان سیاسی از آن، در کنار سپردن لیستی از رهبران حزب به اینترپل، بخشی از این تعرض بود. اما همه این اقدامات حزب

حکمتیست و رهبران آن را در جامعه و در میان میلیونها انسان تشنه آزادی، در میان رهبران کارگری و کمونیستهای جامعه ایران محبوبتر کرد. بعد از این اتفاق علاوه بر باز شدن میدان برای جمهوری اسلامی، زمینه رشد جریانات اسلامی، قومی و ناسیونالیستی و لیبرال طبیعتا مهیا شد. عروج جنبش سبز بر بستر عقب نشینی صورت گرفت که به جنبش آزادیخواهی در دانشگاه تحمیل شد. سبز به برکت حمله وسیعی که در کل جامعه به یک گرایش انقلابی و رادیکال شد، امکان عرض اندام پیدا کرد. چهار سال گذشته و مقایسه آن با مقطع عروج "داب"، نگاهی به دو دوره مختلف از تاریخ اعتراضات مردم در ایران، نگاهی به مقاطعی که در آن جنبشهای متفاوت و متخاصم در دانشگاهها و در فضای روشنفکری ایران "هژمونی" دارد، درسهای ارزشمندی دارد که باید در فرصت دیگری به آن پرداخت.

عروج جنبش سبز عقب گردی جدی، نه تنها به فضای رادیکال در دانشگاه و محیطهای روشنفکری بلکه به کل جامعه تحمیل کرد. جنبشی که بخش عمده اپوزیسیون جمهوری اسلامی، از راست تا چپ، را با خود برد و امید به تحول انقلابی و آزادی و رفاه در جامعه را به نتیجه جدالهای درون حاکمیت آویزان کرد.

امروز در شرایطی که استقبال ۱۶ آذر میرویم که فضای کل جامعه دچار تغییرات جدی شده است. کشتی جنبش سبز، با همه شاخه های آن، منتهاست به گل نشسته است. وعده فضای باز سیاسی، "جنبش جاری" برای "بازپس گرفتن حق رای" و "انقلاب" چپ سبز، پوچی خود را عیان کرده است. دیوار فضای مسموم فریب و دروغی که جناح سبز جمهوری اسلامی بر شانه های طیف وسیعی از اپوزیسیون ایران و مدیای غربی ساخته بود، تا طبقه کارگر و زن و جوان و انسان دردمند و معترض آن جامعه را فریب دهند، فرو ریخته است.

همزمان جمهوری اسلامی در بالاترین سطح رهبری آن، مجددا حول جدال انتخابات و برای تجدید آرایش درونی خود و تعیین سهم دسته بندی های حاکمیت از آینده قدرت و ثروت جامعه، به نزاع و جنگ خانگی و درونی حادی کشیده شده است. بعلاوه تخاصمات غرب و جمهوری اسلامی بار دیگر وارد دوران حساسی شده است. تهدیدات جنگی اسرائیل و آمریکا علیه ایران، اعلام تحریمهای هر روزه به نام دفاع از مردم ایران، و اعلام آمادگی صافی از فرصت طلبان سیاسی و جریانات سناریوی سیاهی در رکاب دول غربی، الگوی لیبی و دل خوش کردن طیفی از نیروها ضد مردمی برای تبدیل ایران به لیبی، خطر جنگ و فضای نظامی را به همه جا گشاده است. جمهوری اسلامی

علیرغم اینکه جنگ و حمله به ایران را به نفع خود نمیداند، اما فضای جنگی امکان سرکوب بیشتر و امکان افزایش تعرض خود به فضای سیاسی و سطح معیشت مردم را فراهم کرده است. این وضع طعم شیرین انقلاب تونس و مصر و دور تازه جدال در میدان تحریر و فضا جدید انقلاب مصر را در اذهان مردم انقلابی ایران حاشیه ای کرده است. هراس از جنگ و فضای میلیتاریستی، مستقل از عملی شدن یا نشدن آن، مبارزات مردم، اعتراضات زنان، جوانان و طبقه کارگر را عقب میراند. و صف مقاومت مردم در مقابل حاکمیت را تضعیف و در آن شکاف ایجاد میکند. فی الحال صافی تحت عنوان دفاع از مبارزات مردم، طرفدار این فضای میلیتاریستی شده و در باد تهدیدات دول غربی میدمند. در عین حال صف دیگری به بهانه خطر جنگ و دشمن خارجی، تلاش میکنند که سنگر دفاعی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در مقابل تعرض رژیم را بشکنند و مردم را به تسلیم و سکوت، زنان، جوانان و کارگران را به خاموشی دعوت کنند.

دانشگاه از این فضا بری نیست. تعرض به دانشگاه، پاکسازی مراکز تحصیلی از انقلابیون و کمونیستها، تهدید هر روزه علیه دانشجویان، تلاش برای اسلامی کردن فضای دانشگاه و دروس تحصیلی، تحمیل پوشش اجباری در محیطهای تحصیلی و جداسایها و ... که پروژه های جمهوری اسلامی در این دوره بود، امروز با اتکا به فضای نظامی و امنیتی کنونی، گسترش یافته است. و در عین حال اعتراض به طرحهای جمهوری اسلامی، به فضای اختناق و تعرض به زنان در دانشگاه و دفاع از مطالبات صنفی و سیاسی دانشجویان بار دیگر هر چند پرانگه آغاز شده است. این اعتراضات بستر کار روتین هر کمونیستی است. این اعتراضات موضوع کار هر جمع و محفل کمونیستی و هر انسان مبارز و انقلابی است. سد بستن در مقابل تعرضات جمهوری اسلامی، آگاهگری و متحد کردن دانشجویان حول مطالبات انسانی و آزادیخواهانه کاری همیشگی است که باید سازمان یابد. باید در مقابل کسانی که به بهانه خطر جنگ، جوانان و دانشجویان را به تسلیم دعوت میکنند، ایستاد. بعلاوه باید در مقابل کسانی که در صفوف مبارزه دانشجویان، اتحاد با نیروهای ارتجاعی، از هر ملت و نژادی، ایرانی یا غربی، اسلامی یا امپریالیستی، را تبلیغ میکنند و برایش نیرو جمع میکنند، ایستاد. و اعلام کرد که در جنبش دانشجویی کسی طرفدار مدل "لیبی" برای نجات نیست!

اما برای انجام این همه و مهمتر از هر چیز، مسئله حاکم کردن یک افق و داشتن یک پرچم روشن آزادیخواهانه در میان نسل جوان و متحد کردن

جوانان آزادیخواه حول آن است. مناسبت ۱۶ آذر امکانی است که دانشجویان و جامعه گوششان برای شنیدن جواب به وضع کنونی، به افقهای سیاسی مختلف و راه حلهای متفاوت باز است. جلب توجه نسل جوان به یک افق روشن کمونیستی، کاری مهم و نقشه مند است که هر کمونیستی باید در دستور خود بگذارد. در این راستا، تجربه "داب" و بکارگیری آموزشهای آن، یکی از گرانبهاترین دستاوردهای جنبش کمونیستی ایران است، که باید به آن پرداخت.

جا دارد به تجارب تاکنونی دانشجویان، به تحرک انقلابی در ۱۶ آذر، پیش از سرکوب "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب"، به سازماندهی توده ای وسیع آن دوره، و به آنچه امکان عروج یک جنبش رادیکال را علیرغم حاکمیت جمهوری اسلامی مقدور کرد، انداخت. "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" و عروج آن تحریکات، بر اساس کاری نقشه مند و اتحاد و تشکل نسلی از بهترین کمونیستها ایران بود، که حول یک افق روشن و کمونیستی مقدور شد. جنبشی که به نقطه امید بشریت متمدن

در جامعه ایران در یک دوره معین تبدیل شد و سهپاتی طبقه کارگر و زن و برابری طلب و جوان مدرن و آزادیخواه را به خود جلب کرد. آن تجربه نتیجه تلاشی هدفمند و جدالی چندین ساله با همه پرچمها و افقهای ضد زن، ناسیونالیستی و شرقی و اسلامی و بورژوازی در دل تحولات آن دوران بود. آن جنبش و آن تحریکات قدرتمند و افتخار آمیز، به رهبری و بر شانه های نسلی از جوانان کمونیست مقدور شد که بدوا حول پرچم و افق سیاسی روشن کمونیستی متحد شده بودند. کسانی که مردم در سراسر ایران، آنها را با نام و نشان و عکس و مقاله و سخنرانی، در مجامع علنی و گسترده، میشناختند. میدان تحرک سیاسی و علنی و اجتماعی در ایران که مملو از "شخصیت" های بیمایه راست، دگراندیش، و "اصلاح طلب" و "مشروطه خواه" بود، با تجربه "داب" و تجربه های مشابه آن بخصوص در کردستان ایران، برای شخصیت های کمونیست و چپ رادیکال باز شد. مردم ایران پس از خرداد ۶۰ نسلی از شخصیت های نسل جوان کمونیست و چپ اجتماعی خود را علنی، در سراسر شهرها، دیدند. برخی برای آنها شعر و سرود آفریدند و عکس هایشان را بر دیوارها زدند. این یکی از گرانبهاترین دستاوردهای آن دوران بود.

۱۶ آذر ۸۶، اوج عرض اندام و عروج جریانی بود که طی چندین سال کار آگاهگرانه، با جللهای سیاسی جدی، با دخالت فعال در اعتراضات هر روزه، با شرکت در مباحثات مهم در دانشگاه و فضای روشنفکری، با جمعها و محفلهای بحث و تبادل





## در گرامیداشت ۱۶ آذر

### نگاهی به تجربه دانشجویان آزادیخواه و

### برابری طلب

سخنرانی سه تن از سازماندهندگان و فعالین داب

کاوه عباسیان، حامد کیائی، سلام رسولی

شنبه ۱۰ دسامبر

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست- استکهلم

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

نشریه  
کمونیست

## ۱۶ آذر و جوانان کمونیست...

دستاوردهای ارزشمند آن تاریخ، نه تنها برای نسل جوان در محیطهای آموزشی بلکه برای هر کمونیست و هر انسان انقلابی ارزشمند است.

امروز یکبار دیگر بحثهای مختلف بر سر دانشگاه و فضای سیاسی در ایران، مطالبات و مبارزات پیش رو، به مناسبت شانزده آذر، باز میشود. امروز بحث نحوه سد بستن در مقابل خطر حمله نظامی و نمایندگی کردن مردم ایران در مقابل هر نوع حمله نظامی و هر نوع تحریم اقتصادی که دود آن به چشم طبقه کارگر و مردم ایران می‌رود، باز شده است. و همزمان با آن، امروز موضوع چگونگی سد بستن در مقابل فضای نظامی و استفاده از فضای جنگی از جانب جمهوری اسلامی به بهانه خطر حمله خارجی، در جامعه باز است. دخالت در این فضا و بستن سد در مقابل هر دو جبهه ارتجاع، هم جمهوری اسلامی و هم دول غربی و همه نیروهائی که به نام مقابله با جمهوری اسلامی به قلداری دولتهای غربی و فاجعه ای انسانی که در صورت وقوع جنگ زندگی دهها میلیون انسان را تباہ خواهد کرد، امید بسته اند، در دستور هر انسان شرافتمندی باید باشد. دخالت فعال در این جدال، تلاش برای دفاع از مندی و مقابله با تحریم و خطر حمله و تقابل با استفاده جمهوری اسلامی از فضای

مختلق برای تعرض، از جداسازی و حاکم کردن فضای اسلامی بر دانشگاه تا دستگیری و تهدید و...، به امر روز هر دانشجوی آگاه و دلسوزی تبدیل میشود. اما تامین همه اینها، در گرو تلاش برای متحد کردن نسل جوان حول یک افق کمونیستی و انقلابی است. افقی که در مقابل کل سناریوهای مهندسی شده جنبشها و جریانات مختلف ارتجاعی از راست تا چپ، برابری و انسانیت را نمایندگی میکند. این صف و داشتن چنین افقی و تبدیل آن به افق صفی متحد و توده ای در دانشگاه احتیاج به کار نقشه مند کمونیستهای جوان دارد. واقعیت این است که دوره سختی در مقابل ما است. و در این دوره بیش از همیشه جامعه ایران نیازمند، صفی آگاه و متحد از کمونیستهای روشنیبینی است که بدوا خود متحد باشند و امر اتحاد نسل جوان آزادیخواه را در دستور خود بگذارند. کسانی که برای چنین هدفی کاری همه جانبه و نقشه مند را پیش پای خود بگذارند. تجربه "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" در گذشته، مشعلی در این راه و تجربه ای گرانبقدر است که باید در دست گرفت.

نظرو با نشریات و سایتهای مختلف مهر خود را کوبیده بود. جریانی که با دخالت در جنبشهای اعتراضی و تماس با فعالین و رهبران رادیکال اعتراضات کارگری و فعالین حقوق زنان، توانست با ارائه یک سیاست روشن و متحد کردن طیفی وسیع از انقلابیون حول پرچم آزادی و برابری، مهر خود را بر فضای روشنفکری در دانشگاه و جامعه بزند.

بررسی آن تاریخ و امتداد آن تا امروز، و نگاهی گذرا به تلاشهای وزارت اطلاعات و کپهان جمهوری اسلامی و مقالات و "بررسی" آنها از چپ در دانشگاه، به عینۀ نشان میدهد که صف متحد ارتجاع در بالا ترین سطح حکومتی و در نشریاتش، یک هسته اصلی که در حقیقت کمونیستهای متحد در فضای دانشگاهها و حزب حکمتیست بود را نشان گرفتند. این هسته متحد چه در قالب کمیته کمونیستی و چه در قالب جمعهای کمونیست متحدی که یک افق روشن انسانی را در مقابل نسل جوان میگذاشتند، ستونهای استوار آن تحرک عظیم بودند که در نبود چنین پایه هایی، عروج جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاه مطلقاً مقدور نبود.

دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب که نقش و تاثیر آنان صفحه ای زرین از تاریخ یک دوره معین از مبارزات آزادیخواهانه در دانشگاهها و فضای سیاسی ایران است، خود بر اساس کار نقشه مند همان هسته یا هسته های اصلی استوار بود که با کار مستمر و کمونیستی، با هوشیاری سیاسی خود و دخالت جدی توانستند بسیار هدفمند، جریانات ارتجاعی را در دانشگاه حاشیه ای کنند، و افق خود را به افق هزاران نفر تبدیل کنند. و نسلی را حول آن افق و برنامه و نقشه خود، در سراسر ایران متحد کنند.

فضای جامعه ایران اکنون مثل سال ۸۶ نیست. اما آن تجربه و دستاوردهای آن، امروز نه تنها قابل استفاده که قابل ارتقا است. آن تجربه امروز نیز برای نسل جوان کمونیست در دانشگاه آموزنده است و راه نشان میدهد. کار کمونیستی هدفمند و با برنامه، دخالتگری روزمره مبارزاتی، متحد کردن و کار آگاهگرانه، متحد شدن برجسته ترین، روشنفکرترین و بانفوذترین کمونیستها در کمیته های کمونیستی و جمعها و محافل مارکسیستی، امروز نیز روی میز هر فعال کمونیستی، نه تنها در دانشگاه بلکه در کارخانه و شهر و محل زندگی، است. گرامیداشت آن تجربه، استفاده از آن و بکار گرفتن

زنده باد سوسیالیسم